

## تئوری مردم‌سالاری دینی در گفتمان توسعه محور امام خمینی (ره)\*

حمید سرمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

با شکل‌گیری انقلاب تاریخی ۱۳۵۷، به رهبری امام خمینی (ره) و استقرار نظام جمهوری اسلامی، بحث در مورد جایگاه مردم در این حکومت به یکی از مهمترین سوالات در ذهن محققان انقلاب بدل گردید و از آنجا که امام نقش ایدئولوگ و تئوریسین انقلاب را نیز داشتند، با واکاوی اندیشه‌های امام خمینی (ره) این سوال قرین پاسخ خواهد بود. نگارنده معتقد است در عصر سیطره گفتمان‌های لیبرالیستی و مارکسیستی در هنگامه پیروزی انقلاب، امام با مطرح کردن دموکراسی (مردم‌سالاری) در چارچوب اسلام یا به قول مودودی تئو-دموکراسی خط بطلانی بر آن گفتمان‌های اومانیستی محض، کشیدند. نظریه مردم‌سالارانه امام خمینی (ره) با بارز نمودن معایب دیگر مکاتب طرفدار حقوق مردمی، مردم‌سالاری زیر نظر ولایت فقیه را که شأنیت اسلام و مردم به بهترین نحو اعمال گردد، مدنظر داشتند و حقوق مردم به معنی اعم آن در تمام شئون جامع جاری و ساری خواهد بود. نگارنده در این پژوهش به اهتمام نظری و عملی امام خمینی (ره) در جهت توجه به مردم در مرحله قبل از انقلاب و بعد از آن می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی (ره)، مردم، مردم‌سالاری دینی، حقوق و آزادی‌های مردم.

\* «این مقاله در دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت که در آذرماه ۱۳۹۵ توسط مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برگزار شد، صرفاً ارائه شده است.»

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

## مقدمه

محض غربی، مدعی هستند دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که بیش از همه نظام‌ها قادر به تأمین برابری سیاسی، حمایت از آزادی، دفاع از منافع عمومی، برآوردن نیازهای شهروندان و پیشبرد اخلاقی افراد است و امکان تصمیم‌گیری‌های اثربخش را به‌نحوی فراهم می‌کند که منافع همه در آن رعایت شود. و روش حکومتی است که مردم در انتخاب، نقد و عزل حاکمان فاعل ما یشاء باشند و دموکراسی حاصل عقل مصلحت‌اندیش انسانها در طول زمان‌ها بوده است. اما دموکراسی به معنای اومانیستی آن هیچ‌گاه مدنظر دین اسلام و اندیشه امام خمینی (ره) نبوده است. امام، آزادی، حقوق و خواسته‌های مردم را به اعتبار تطابق با شرع انور مورد پذیرش قرار می‌دهد و صرف اعتنا به کمیت افراد دلیل بر دموکراتیک بودن قضایا نیست. چنانکه اکثر اندیشمندان علوم سیاسی امروزین غربی نیز همین اهتمام زیاد به کمیت افراد را پاشنه آشیل دموکراسی می‌دانند. پس مردم‌سالاری امام خمینی (ره) رد دموکراسی اومانیستی غربی و مردم‌سالاری در چارچوب شرع مبین می‌باشد.

## مردم‌گرایی و بسیج‌گرایی امام خمینی (ره) در

### قبل از پیروزی انقلاب

انقلاب کبیر ۱۳۵۷ (نوامبر ۱۹۷۹)، موسوم به انقلاب اسلامی ایران، از زوایای گوناگون و در محافل علمی سرتاسر جهان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. انقلابی که آخرین انقلاب قرن نام دارد، از لحاظ تئوریک و عملی یک انقلاب اجتماعی بوده است، زیرا در انقلاب اجتماعی کل طبقه حاکمه تغییر می‌کند. انقلاب ایران، انقلابی اجتماعی

واژه دموکراسی در اصل در دولت شهرهای یونان به وجود آمده و از لغت یونانی دموکراتیا گرفته شده که اجزای آن عبارت است از دمو (مردم) و کراتوس (حکومت) و در عمل به معنای نظام سیاسی است که در آن مردم حکومت می‌کنند و نه گروه اقلیتی که از انواع و اقسام امتیازها و انحصارات برخوردار هستند. اما تعریف این واژه و حدود آن به این سادگی نبوده و در طول تاریخ و جوامع متفاوت بوده است. شکل و صورت دموکراسی در هر متن و زمینه معینی عمدتاً نتیجه نحوه پنداشت ارزش‌ها و اهداف آن و نیز اولویتی است که برای این ارزش‌ها و اهداف در نظر گرفته می‌شود. اما به طور کلی دموکراسی را نظام سیاسی قلمداد می‌کنند که بیش از همه نظام‌ها قادر به تأمین برابری سیاسی، حمایت از آزادی، دفاع از منافع عمومی، برآوردن نیازهای شهروندان و پیشبرد رشد اخلاقی افراد است و امکان تصمیم‌گیری‌های اثربخش را به‌نحوی فراهم می‌آورد که منافع همه در آن رعایت شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۱۰).

به طور خلاصه می‌توان گفت که دموکراسی در سه اصل زیر خلاصه می‌شود: الف) حاکمیت مردم به معنای واگذاری نهایی قدرت تصمیم‌گیری عمومی، مشروعیت‌بخشی به حکومت و نظارت بر آن به همه شهروندان بالغ جامعه؛ ب) برابری سیاسی، به این معنی که هر شهروند بالغ با هر شهروند بالغ دیگر برای مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی از حق مساوی برخوردار باشد؛ ج) حکومت اکثریت، به این معنا که وقتی مردم در موردی با هم توافق نداشته باشند، حکومت بنا به خواست شمار بیشتر عمل می‌کند و نه شمار کمتر (رنی، ۱۳۷۴: ۱۴۰). منادیان دموکراسی



عادی و ... بودند و انقلاب جزء با اتحاد استراتژیک همه این افشار به پیروزی نمی‌رسید و در این اثنا مبحث بسیج سیاسی این گروه‌های متنوع و بعضاً متضاد از لحاظ فکری حول یک محور یعنی براندازی رژیم پهلوی مهارتی بسیار والایی را خواستار است که هر کس و هر طیفی نمی‌توانست این بسیج استراتژیک را بوجود آورد.

چنانکه تاریخ و نظریات علمی نیز موید دیدگاه این پژوهش است که بدون وجود شخصیت کارزماتیک و تاریخی امام خمینی این انقلاب هرگز پیروز نمی‌شد. بعد از وقوع انقلاب و حتی در بطن فرایند انقلاب عده کثیری از روشنفکران و روحانیون ادعای ایدئولوگ بودن و تئوریسین انقلاب را داشتند ولی بنظر می‌رسد اکثر محققین در نقش بی‌بدیل امام خمینی (ره) متفق‌القولند، شخصیتی که در بحبوحه انقلاب مردمی‌ترین، رادیکال‌ترین و اسلامی‌ترین و اصلی‌ترین آموزگاران انقلاب بود و کسی را در این برهه هم‌آورد و قابل قیاس با نقش بی‌بدیل این شخصیت نیست. به نظر می‌رسد نقش تاریخی امام خمینی در این فرایند بی‌بدیل بوده باشد و این نظر مورد قبول مخالفان و موافقان این پدیده الهی می‌باشد و حیطه بسیج‌گرایی گسترده‌ای را نسبت به دیگران داشتند.

چنانکه اکثر دانشمندان علوم سیاسی و محققان انقلاب گفته‌اند، اساساً حرکت مردم در سال ۱۳۵۷ نمی‌توانست بدون وجود رهبری امام به پیروزی برسد. امام بعنوان شخصیتی فراجناحی طیف‌های گوناگونی را در جهت یک هدف واحد یعنی براندازی رژیم محمدرضا شاه پهلوی بسیج نمود. برای جریان‌ات اسلامی امام (ره) نمونه کامل یک رهبر مذهبی- سیاسی بود. نیروهای اسلامی بطور طبیعی پشت

بوده است یعنی علاوه بر تغییرات در هیأت حاکمه، کل زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موجود در جامعه دچار تحولات بنیادین شدند. انجام این تحول بنیادین، مقدمات و پیش‌فرض‌هایی را خواستار است که بی‌شک برای وقوع هر انقلابی سه عنصر مردم، رهبری و ایدئولوژی لازم است (محمدی، ۱۳۸۴: ۸۷). و در این اثنا بحث ایدئولوگ انقلاب از همه مهمتر می‌نماید چرا که به قول خیل کثیری از نظریه‌پردازان انقلاب، انقلاب ایران، بدون امام خمینی نمی‌توانست بوجود بیاید و پیروز گردد (زیباکلام، ۱۳۸۰: ۴۰).

نگارنده معتقد است که تقلیل علت وقوع این پدیده نادر و یا معجزه قرن صرفاً در یک علت مثلاً مذهبی، سیاسی، اقتصادی به دور از واقعیات رخ داده و نیز منافی با جهان‌بینی‌های علمی می‌باشد، چرا که نه انقلاب ایران تک علتی بوده است و نه گروه یا طیفی می‌تواند داعیه‌دار انقلاب باشد؛ انقلاب در شرایط زمانی و مکانی و بستر خاص خود انجام گرفته بنظر می‌رسد مثل جان فوران پدیده انقلاب ایران را جهت شناخت بهتر آن با رویکرد تلفیقی و پرهیز از تک علت‌انگاری و نگاه غیرایدئولوژیک به آن شناخت، چون پاشنه آشیل و نقطه ضعف تمام دیدگاه‌هایی که یک علت را علت‌العلل انقلاب شناخته‌اند، همین عدم توجه آنها به ابعاد دیگر این امر می‌باشد. در انقلاب ایران گروه‌های مختلفی در طیف مبارزه قرار داشتند و وجه مشترک همه آنها دشمن مشترکشان رژیم استبدادی محمدرضا شاه پهلوی بود، طیفی شامل گروه‌های چپ مذهبی و غیرمذهبی، سکولارها، ملی- مذهبی‌ها، روشن- فکران دانشگاهی، دانشجویان، کارگران، دهقانان، بازار، مردم

رهبری امام هر سه بعد ایدئولوژی، بسیج‌گری و معمار انقلاب را شامل می‌شد، امام در سال ۵۶ و با حرکت انقلابی مردم نقش بسیج‌گرایانه خود را بروز داد. وی در این اعلامیه‌ها و بیانات ضمن طرح اقدامات رژیم به مردم امید پیروزی می‌دهد و آنها را به وحدت و انسجام دعوت می‌کند و هرگونه سکوت و بی‌تفاوتی را مخالف مصالح عالیه اسلام می‌داند. وی در این مقطع از یکسو با بهره‌گیری از فضای فرهنگی جامعه که در دهه‌های ۴۰-۵۰ بشدت در اوج مذهب‌گرایی و گفتمان انقلابی بود و از سوی دیگر با مطرح کردن پیامدهای ناگوار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به برنامه‌های نوسازی رژیم پهلوی موفق گردید به عنوان شخصیتی آرمانی که می‌توانست فرماندهی، هدایت و رهبری جنبش را به سوی وضع مطلوب پیگیری نماید، مورد پذیرش اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی قرار گرفت و توانست انبوه توده‌ها را بر گرد خود آورد و در راه مبارزه با رژیم سازماندهی کند. استفاده از مساجد، مراسم، تقویم مذهبی، منابر، روحانیون و نیروهای جوان و انقلابی دانش-گاهی و تلاش برای جداسازی بدنه ارتش از سران آن و ایجاد جو عدم همکاری همه‌جانبه با رژیم در بین اقشار مختلف مردم و تأکید بر سازش‌ناپذیری و عدم‌پذیرش برخی اقدامات اصلاحی شاه و تأکید بر لزوم حذف آن رژیم، همه در راستای نقش بسیج‌گری امام بود (فوزی، ۱۳۸۴: ۵۸). با وجود اینکه امام بعنوان یک مرجع تقلید شیعه بود با صدور فتوایی، وحدت میان شیعه و سنی را مستحکم‌تر کرد. امام در اکتبر ۱۹۷۹ فتوایی صادر کرد که شیعه را و می‌داشت که اگرچه چندین قرنی خود را در نماز خواندن پشت سر سنیان رها کند که امثال این بیانات روشنفکرانه، فرادینی و

سر امام قرار داشتند. حرکت امام نه تنها موج جدید بازگشت به اسلام را که در میان اقشار تحصیل کرده و دانشجویی پاگرفته در ابعاد گسترده‌ای تقویت نمود، بلکه در رابطه مذهب و سیاست و در ایران تغییرات تاریخی پدید آورد. قبل از امام در تمام جنبش‌ها و قیام‌ها، رهبری حرکت‌ها در دست غیرروحانیون بود و ثانیاً روحانیونی که در این حرکت‌ها شرکت داشتند جز رده بالاها روحانیت نبودند.

در واقع از زمان مشروطه به بعد برای اولین بار بود که یک مرجع تقلید و یک آیت الله به معنی اخص کلمه حکومت را چنین بی‌محابا به مبارزه می‌طلبید. مبارزه امام با رژیم بعنوان یک مرجع تقلید باعث گردید که هیچ مرجع و هیچ روحانی طراز اولی نتواند حداقل در ظاهر رابطه‌ای با رژیم داشته باشد و بدین ترتیب امام سوار بر امواج اسلام‌گرایی دهه ۴۰-۵۰ بودند (همان، ۱۱۵)، و همه روحانیت در بحبوحه انقلاب تابع کامل امام بودند. امام در کتاب حکومت اسلامی سه نظر مهم را درخصوص براندازی رژیم بیان نمودند:

۱- اینکه سلطنت بطور اساسی و بنیادی محکوم است؛ ۲- قوانین اسلام در قرآن و سنت پیامبر همه دستورها و احکامی را که برای بشر سعادت و کمال دارد، شامل می‌شود؛ ۳- اسلام به واسطه مرام‌های انحرافی که قدرت‌های امپریالیستی در ایران تشویق می‌کنند نظیر مرام‌های مادی‌گری، مسیحیت و صهیونیسم در معرض خطر جدی قرار دارد (کدی، ۱۳۸۶: ۳۵۵).

امام کوشیدند همه گروه‌های مخالف به جز مارکسیست‌ها را پشت سر خود گرد آورند و در عین آنکه به هیچ گروه خاصی زیاد از حد نزدیک نشدند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۴۴۲).



برابر شاه بدل گردد (زیباکلام، پیشین: ۱۲۱). بازرگانان و پیشه‌وران که بعلت سیاست‌های شاه متضرر بودند در برابر بیانات مذهبی مردم‌گرایانه امام واکنش مساعد نشان می‌دادند و نقش عظیمی در تأمین منابع مالی و تشکیلاتی انقلاب را داشتند (فوران، پیشین: ۵۶۵). در استقبال این بزرگ مرد تاریخ حدود ۳ تا ۴ میلیون به پیشواز او آمدند که در تاریخ بی‌نظیر است و عکس‌های او در میان تظاهرات کنندگان بیشترین تعداد را داشت. او با کلامی بسیار ساده و قابل درک برای همه حتی بیسوادترین انسانها پیچیده‌ترین مسائل سیاسی-اجتماعی را مطرح کرد و با بیان خود در اعماق قلوب انسان‌های معتقد و مومن نفوذ می‌کرد (محمدی، پیشین: ۱۰۶). اگر بتوان برای نظریه کاریزمای وبر، در جهان معاصر سراغ گرفت، رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران برجسته‌ترین نوع آن خواهد بود. وی با تأکید بر سلاح شهادت و ایجاد خودآگاهی و خودباوری در مردم بعنوان صاحبان اصلی انقلاب و تحقیر کردن دشمن، طیف وسیعی از نیروهای مختلف را حول محور واحد یعنی براندازی رژیم متحد کرد (همان، ۲۵۶). میرهن بود مردمی که بقول امام در بحبوحه مبارزات صاحبان اصلی انقلاب قلمداد می‌شدند، در تداوم و بقای انقلاب نیز نقش اصلی را ایفاء نمایند و در این راستا به جایگاه مردم در تفکر امام در بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی می‌پردازیم.

### مردم‌سالاری در اندیشه امام بعد از پیروزی

#### انقلاب و استقرار نظام ج.ا.ا

در تلقی امام خمینی (ره) از مردم را از دو زاویه و دو

انترناسیونالیستی از او بعنوان یک شخصیت جهانی که در پی اعاده حیثیت به یک کشور جهان‌سومی است، ساخت (عنایت، ۱۳۸۰: ۹۷).

قبل از انقلاب ۵۷ و ظهور امام خمینی، زنان در تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه منفعل بوده و نقشی در امورات نداشتند، ولی در این برهه با اعتماد به رهبری سلیم النفس و شجاع امام در عرصه مبارزه ضدشاهی شرکت فعالانه داشته‌اند و از جان و دل پذیرای فرامین امام بودند. در کل هرچند خاستگاه اجتماعی اولیه امام خمینی را روحانیت رده پایین، طلاب و پیشه‌وران تشکیل می‌دادند اما موضع ضدامپریالیستی او موجب جذب روشنفکران غیردینی بخصوص چپ‌گرایان و کارگران نیز شد. اصطلاحات دینی مورد استفاده او در میان قشرهای حاشیه شهری که وی آنها را مستضعفان می‌نامید، رواج یافت (فوران، ۱۳۸۷: ۵۴۴). نیروهای چپ و بقایای حزب توده، امام (ره) را بعنوان یک رهبر ضدامپریالیست می‌نگریستند که در رأس نهضتی انقلابی که با بورژوازی کمپرادور به پیکار برخاسته بود، قرار داشت. میلیون نیز ترجیح می‌دادند که رهبری امام را بپذیرند و بالاخره برای طیف گسترده‌ای از روشنفکران امام (ره) رهبری ضداستبدادی، ملی‌گرا و معتقد به آزادی تلقی می‌شدند. جاذبه رهبری و بسیج‌گرایی امام صرفاً به گروه‌های سیاسی و روشنفکران محدود نمی‌گردید. به فاصله چند ماه بعد از شروع نهضت میلیونها نفر از مردم عادی به امام (ره) به چشم رهبر مبارزه با رژیم می‌نگریستند. رفتار بی‌تکلف، سبک ساده زندگی و شم سیاسی او در مقابل رژیم استبدادی و اشرافی‌گرای شاه موجب شد، امام بصورت یک رهبر منحصر بفرد انقلاب در

دسته‌بندی می‌توان مردم را مورد بررسی قرار داد:

**الف)** با یک نگاه استقرایی کلیه اقشاری که در کلمات امام مخاطب قرار گرفته‌اند به صورت تفکیکی دسته‌بندی و تعریف عملیاتی می‌شوند با این گاه می‌توان آحاد مردم را به حسب طبقات اجتماعی (کارگر، کشاورز، سرمایه‌دار، اداری و ...) و شئون اجتماعی (نظامیان، روحانیون و روشنفکران) از نگاه امام مورد بررسی قرار داد، اما از آنجا که امام هیچ گروه را بر گروه و یا طبقه و شأن دیگر ترجیح نمی‌دهد و به نظر ایشان، "در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیرغنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص و گروه‌های مختلف سنی و شیعه، عرب و عجم، ترک و غیر ترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند. از نظر امام امتیاز به مادیات نیست امتیاز به دارایی‌ها نیست باید این امتیازات از بین برود و همه مردم علی‌السواء هستند و حقوق تمام اقشار به آنها داده می‌شود" (خمینی، ۱۳۸۲: ۴۶۲).

بر این اساس، دسته‌بندی و تفکیک اقشار اجتماعی کار بی‌حاصلی است، زیرا امام با نگاه آکادمیک و بر مبنای طبقاتی درباره مردم اظهارنظر نمی‌کردند. از اینرو به جای دسته‌بندی جداگانه هر یک از طبقات و شئون تنها به سه قشر اجتماعی از نگاه امام اشاره می‌شود: یکی روحانیون که در بدو امر به نظر می‌رسد که در حکومت دینی ممکن است امتیاز ویژه‌ای داشته باشند و بعد اقلیت‌های دینی و مذهبی که ممکن است در حکومت اسلامی مورد بی‌مهری قرار گیرند و نهایتاً زنان (نیمی از مردم) که معمولاً در نگاه‌های دینی و سنتی نقش جدی در مسائل سیاسی و اجتماعی ندارند (منصورنژاد، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

### ۱- امام خمینی و روحانیت

نکته ابتدایی آنکه، نگاه امام به روحانیت مطلقاً یکسان نیست و با کثیری از قرائت‌های روحانیون از جمله در موضوع ارتباط دین و سیاست و همچنین عملکرد روحانیون موافق نیست. مثلاً امام حتی در سال‌های دهه ۲۰ که کتاب کشف اسرار را می‌نوشت، طبقه‌ی روحانیون را یکسره صالح و مفید نمی‌دانست.

نکته دوم آنکه امام از یکسو به شدت به کسانی که مداخلات روحانیت حوزه‌ها و روحانیت در سیاست را منکر بودند می‌تاخت و به آن‌ها توصیه می‌کردند که اگر حکومت اسلامی را چنان که هست به دانشگاهی‌ها معرفی کنید، دانشجویان از آن استقبال می‌کنند. نکته سوم آنکه امام نه تنها بین روحانیون و سایر آحاد مردم تفاوتی قائل نمی‌شدند بلکه حتی حقوق سیاسی - اجتماعی فقها که از بالاترین سطوح روحانی‌اند را با دانشجویان همسان می‌دیدند (همان، ۲۴۷).

### ۲- امام خمینی و اقلیت‌های مذهبی

امام در اظهارنظرهای متعددی از آزادی عقیده و حق مشارکت پیروان ادیان و مذاهب دیگر سخن گفته‌اند مثلاً در ۱۶/۰۸/۱۳۵۷ طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی هلندی **دی ولت گرائت** در پاسخ به این پرسش که در جمهوری اسلامی حقوق اقلیت‌های مذهبی، نژادی و سیاسی چه خواهد بود؟ آیا حزب کمونیست آزاد خواهد بود؟ اعلام کردند که:

اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه‌ی انسانها قرار داده است



بهره‌مند شوند ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می‌کنیم در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند (خمینی، پیشین: ۱۷۷).

و در سخنرانی خود اعلام داشتند: در اسلام مابین اقشار ملت‌ها هیچ فرقی نیست در اسلام حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است. حقوق مسیحی مراعات شده است حقوق یهود و زردتشتی مراعات شده است. تمام افراد عالم را بشر می‌داند و حق بشری برای آنها قائل است (همان، ۴۶۸).

### ۳- امام خمینی و حقوق زنان

امام در آذر ماه سال ۱۳۵۷ در فرانسه اعلام نمودند: اسلام زن‌ها را قدرت داده است اسلام زن‌ها را در مقابل مردها قرار داده، نسبت با آنها تساوی دارند البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است یک احکام خاص به زن است مناسب با زن است این نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند، آزادند در اینکه رأی بدهند رأی بگیرند (همان، ۲۱۷).

و در آبان ماه ۱۳۵۷ در مصاحبه‌ای با آقای راسل گر نماینده پارلمان و عضو حزب کارگر انگلیس در پاسخ به پرسشی درباره حقوق زن گفتند: زن‌ها در حکومت اسلامی آزادند حقوق آنها مثل حقوق مردها است. اسلام زن را از قید اسارت مردها بیرون آورد و آنها را هم‌ردیف مردها قرار داده است (همان، ۷۰). و در مصاحبه دیگری در پاریس در آذرماه ۱۳۵۷ از نقش و حق تحصیل، کار، مالکیت، رأی و ... زنان یاد کرده‌اند و حتی در جایی اعلان کردند: مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند ... اگر زن‌های انسان ساز از ملت‌ها گرفته بشود ملت‌ها به شکست

انحطاط مبدل خواهند شد (همان، ۱۸۹). با بحث از حقوق زن، از نگاه نگارنده قسمت اول سخن که گرچه طبقات اجتماعی را می‌توان جداگانه از نظر ایشان مورد بحث قرار داد ولی آنچه در راستای فرضیه نوشتار مهم است، آن است که آیا امام برای طبقات اجتماعی ویژه حقوق بیشتر و یا کمتر نسبت به سایر اقشار و طبقات قائل بودند؟ بحث حاضر به این نتیجه می‌رسد که همه طبقات، شئون و اقشار جامعه از نگاه امام مساویند و در مقابل حاکم تحت عنوان مردم دسته‌بندی شدنی و مقایسه پذیرند. این بخش با جمله‌ای از امام پایان می‌یابد: "مراجع و علمای بزرگ، تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی. اسلام هیچگاه مخالف آزادی زنان نبوده است، برعکس اسلام با مفهوم زن به عنوان شیء مخالفت کرده است. زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند" (منصورنژاد، پیشین: ۲۵۷).

ب) از زاویه دیگر نیز بحث مردم و طبقات اجتماعی را می‌توان تحلیل کرد و آن نگرشی است که عمدتاً به مارکس و قرائت‌های مختلف متأثر از او بازگشته و امروزه در علم جامعه‌شناسی سیاسی طرفداران جدی دارد. در این نگرش و بر مبنای نظریه طبقات اجتماعی کلیه تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیرامون طبقات اجتماعی خصوصاً طبقه مسلط و حاکم تفسیر می‌شود.

مثلاً اندیشه ارتباط میان طبقات اجتماعی و قدرت سیاسی جوهر نظریه زیربنا در نظریات مارکس است. و همین خود اساس جامعه‌شناسی سیاسی مارکسیستی را تشکیل

چه ... خودشان لمس محرومیت را کرده‌اند. و لذا توصیه می‌کردند که ثروتمندان، در حکومت و حکمرانان نفوذ نکنند و بلکه به صراحت تأکید می‌نمودند که مسئولان و اعضای قوای حاکم از طبقه محروم باشند چرا که آنها چه بسا انقلاب را یک شبه بر باد می‌دهند. نکته بعد آنکه، جهت‌گیری خدمات مسئولان و دولت‌مردان از نگاه امام، باید به سمت طبقه پایین باشد زیرا، اینها ولی نعمت ما هستند و ما باید از ولی نعمت خودمان قدردانی کنیم و به آنها خدمت کنیم (خمینی، پیشین: ۲۸).

### رابطه حاکم و مردم

#### حقوق و آزادی‌های مردم در مقابل حاکم

مباحث این قسمت، ذیل دو عنوان کلی زیر بررسی می‌شوند: الف) حقوق مردم ب) آزادی‌های مردم

#### الف) حقوق مردم

۱- حق تعیین سرنوشت: امام خمینی مسئله تعیین سر-نوشت ملت را سرنوشت کشور و مذهب می‌شمارد و بر مردم لازم می‌دانند و از طرف دیگر از حق تعیین سرنوشت حتی با استناد به اعلامیه‌های حقوق بشر سخن می‌گویند و دفاع می‌کنند. امام در نامشروع بودن سلطنت پهلوی به همین حق بشری بدین نحو استدلال می‌کردند: هر کسی، هر جمعیتی، هر اجتماعی، حق اولیه اش این است که خودش انتخاب کند، یک چیزی را که راجع به مقررات مملکت خودش است فرض می‌کنیم که این سلطنت پهلوی اول که تأسیس شد به اختیار مردم بود. چه حقی آنها داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند؟ اگر تجلی حق تعیین سرنوشت امروزه در قالب رأی مردم و

می‌دهد (باتامور، ۱۳۷۴: ۲۸). گذشته از نقد و بررسی دیدگاه فوق و یا طرح قرائت‌های مختلف از ارتباط طبقات اجتماعی و دولت آنچه از موضوع حاضر می‌توان برای بررسی تعامل حاکم و مردم از دیدگاه امام دریافت، آن است که اگر مجموعه طبقات اجتماعی به سه دسته: بالا، متوسط و پایین تقسیم‌پذیر باشند، دو نگرش سیاسی و حکومتی امام خمینی توجه عمده به سوی کدام طبقه است؟ طبقات اجتماعی بالا نزد امام پیرامون حکومت تا چه حد با ارزش و مهم است و طبقات پایین و متوسط تا چه حد؟

امام عمده‌تاً طبقات پایین و بالا را با دو مفهوم مستضعف و مستکبر دسته‌بندی می‌نمودند و می‌گفتند: این اسلامی است که طرفدار مستضعفین است. این طبقه‌ای که آن بالانشین‌ها این‌ها را پست می‌شمردند، می‌گفتند طبقه پایین. منطلق مستکبرین همین بود که استکبار می‌کردند تکبر می‌فروختند بر جامعه. ملت ما را طبقه پایین حساب می‌کردند. ولی به نظر امام خمینی (ره)، پیغمبر (ص) طبقه سوم را علیه سرمایه‌دارها جمع و بسیج می‌نمود و حتی به نظر ایشان: پیغمبر اکرم (ص) از همین جمعیت پایین بود. امام درباره نقش طبقات اجتماعی بالا و پایین در انقلاب اسلامی معتقد بود که همین زاغه‌نشینان و همین حاشیه‌نشینان و همین محرومان بودند که این انقلاب را به ثمر رساندند.

به نظر امام باید در نظام جمهوری اسلامی ایران مناصب کلیدی به دست افراد برخاسته از طبقه پایین باشند، زیرا: خاصیت حکومت محرومین و مستضعفین و حکومت مردم آن است که، هم مجلس‌اش می‌فهمد مستضعفین و محرومین یعنی چه، هم حکومت و وزرا می‌فهمند که یعنی





عبارت دیگر در ارتباط مردم با هم حق تعیین سرنوشت، حقی مشروع است در جایی که خواسته مردم با خواسته خدا در تعارض قرار گیرد، آنچه که مردم خواسته‌اند مشروع تلقی نمی‌شود. از این رو در پیامی به شورای نگهبان اعلام کردند: اصولاً آنچه که باید در نظر گرفته شود خداست نه مردم. اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنها حرفی می‌زنند که بر خلاف حکم قرآن است بایستید و حرف خدا را بزنید ولو اینکه تمام بر شما بشورند. انبیا هم همینطور عمل می‌کردند. مثلاً حضرت موسی در مقابل فرعون مگر غیر از این عمل کرد؟ مگر موافقی داشت (منصورزاد، پیشین: ۳۰۰).

۲- حق نقد: امام ضمن تفکیک نمودن انتقاد از توطئه، در نظام اسلامی انتقاد را مجاز و توطئه را غیرمجاز می‌دانستند و در جای دیگر، انتقاد را از برخورد خطی و جریان‌ی متمایز نمودند و گفتند: انتقاد سازنده معنایش مخالف نبوده و تشکل جدید مفهومی اختلاف نیست انتقاد به جا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود انتقاد اگر به حق باشد موجب هدایت دو جریان می‌شود هیچکس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند، البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریان‌ی است. و نهایتاً امام معتقد بودند: در جمهوری اسلامی همه باید با انتقادات و طرح اشکال‌ها، راه را برای سعادت جامعه باز کنند. حتی در سال ۱۳۶۶، امام مسئولان را به تحمل اشکال، بلکه تخطئه، که سطح عمیق‌تر و بالاتری از انتقادپذیری است دعوت کردند و گفتند: البته نباید گمان شود که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم، کسی را حق اشکال نیست. اشکال بلکه تخطئه یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها (خمینی، پیشین: ۱۷۹).

انتخابات ظاهر می‌شود، امام قبل از تشکیل حکومت در فرانسه اعلام نمودند: حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید (همان، ۳۳۴).

امام حتی به اینکه انتخابات به صورت صحیح و آزاد برگزار شود اهتمام جدی داشتند و لذا تذکر می‌دادند که هیچ نهاد و حزب و تجمعی نباید برای حوزه‌های دیگر کاندید معرفی کند و می‌فرمودند: مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیام ندارند (همان، ۲۹۵).

در ذیل بحث حق مالکیت مردم و حق تعیین سرنوشت آنها از نگاه امام دو نکته مهم وجود دارد:

اول آنکه، در عین اعتبار آرای مردم و حق تعیین سرنوشت آنها، گزینش حاکم اسلامی و مسئولان طراز اول، مشروط به داشتن شرایطی برای حکام است و آرای مردم به فرد واجد شرایط معتبر و کارساز است و نه به افرادی که شرایط لازم را ندارند و لذا امام قبل از تأسیس حکومت به صراحت می‌گفتند: ما حکومت اسلامی می‌خواهیم یک جمهوری اسلامی که به آرای مردم رجوع می‌کنیم و شرایط را هم می‌گوییم، این شرایط در اسلام هست هر کس را می‌خواهید تعیین کنید هر که این شرایط را دارد، این را بخواهند.

نکته دوم آنکه، اگر حق تعیین سرنوشت را از حقوق مردم بدانیم به نظر می‌رسد که با توجه به مجموعه اظهارات امام، به این معناست که مردم هر کدام در مقابل هم حقوقی دارند و کسی نمی‌تواند به این حق دیگری تعدی کند. به

**ب) آزادی‌های مردم**

به جهت اهمیت حق آزادی و از آن‌رو که امام بیشترین تمرکز را بر آن داشته‌اند به صورت جداگانه و با تفصیل بیشتری بحث خواهیم کرد. امام در تعریف آزادی به اوربانا فالاچی خبرنگار و نویسنده زن ایتالیایی پاسخ می‌دهند:

آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد مردم عقیده‌شان آزاد است کسی الزامان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنید (خمینی، پیشین: ۹۴).

امام قبل از انقلاب، در پاسخ به سخنرانی اسفند ۱۳۵۶ شاه، نهیب می‌زد که، اگر کسی بگوید ما آزادی دادیم جرم است چون آزادی مال مردم است و خدا و قانون آزادی داده است. درباره آزادی عقاید در نظام اسلامی، امام خمینی بر این باور بودند: در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم مارکسیست‌ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود، زیرا ما اطمینان داریم که اسلام در بر دارنده پاسخ به نیازهای مردم است ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آنها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مسأله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کرده‌اند ما هیچگاه آزادی آنها را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیاورده‌ایم هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند ولی برای توطئه کردن آزاد نیست.

امام ریشه آزادی را به توحید بازمی‌گردانند و معتقدند که این اصل: به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند

۳- حق تأسیس تشکل: اگر تشکل‌ها را بتوان به دو دسته دولتی و مردمی تقسیم نمود تمرکز این قسمت از بحث بر تشکل‌های مردمی است. از انتقادهای امام قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به نظام پهلوی آن بود که، آن‌ها حزب دولتی می‌سازند و مردم را مجبور به عضویت می‌کنند. امام در سال ۱۳۵۳ حزب رستاخیز را حزبی تحمیلی و مخالف قانون اساسی اعلام کردند در اوایل انقلاب نیز با رویش غیرطبیعی احزاب موافق نبودند. امام فعالیت احزاب را به صورت مشروط می‌پذیرفت و به نظر ایشان فعالیت‌های احزاب اگر چنانچه مضر نباشند، آزاد است. و در جای دیگر اعلام داشتند: می‌بینید که بعضی احزابی که انحرافی هستند و ما آنها را جزء مسلمین هم حساب نمی‌کنیم، مع ذلک، چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند به طور آزاد. پس بدانید که اینطور نیست که ما با احزاب دیگری، با گروه‌های دیگری، دشمنی داشته باشیم .... مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند به طور آزاد دارند عمل می‌کنند و به طور آزاد حرف‌های خودشان را دارند می‌زنند. درباره تشکل‌های غیرحزبی از امام پرسیده شد که آیا با تشکیل اتحادیه‌های کارگری در چهارچوب حکومت جمهوری اسلامی موافقید؟ ایشان پاسخ دادند: در جمهوری اسلامی به آن‌ها حق داده می‌شود که به هر شکل ممکن، به دور هم جمع شوند و مسائل و مشکلات خود را بررسی کنند و در نتیجه، دولت را در جریان مسائل خود قرار دهند و نیز از حقوق صنفی خود دفاع کنند (منصورنژاد، پیشین: ۳۰۳).



باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است. و نهایتاً امام ضمن دفاع از آزادی‌های اقلیت‌های دینی، طبقات پایین، زنان و ... در ابعاد آزادی به آزادی شغل، مسکن، مکالمه و ... توجه داشته و برای تأمین امنیت شخصی و حقوق و آزادی‌های فردی آن‌ها بیانیه هشت ماده‌ای را در اواخر سال ۱۳۶۱ صادر نمودند که از جمله در آن آمده است: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود، یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی- اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری، به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم، هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید، یا اسراری که از غیر به او رسیده، ولو برای یک نفر فاش کند (منصورنژاد، پیشین: ۳۱۳-۳۰۳).

### نتیجه گیری

می‌توان دیدگاه‌های امام خمینی را به عنوان تئورسین و مبدع حکومت اسلامی دوباره نقش مردم در حکومت اسلامی به صورت زیر خلاصه کرد: می‌توان اینگونه بیان کرد که امام خمینی اصل و هدف را رضای خداوند قرار می‌دهند و معتقدند که خداوند به عنوان خالق این مردم می‌تواند بهترین و مفیدترین طرح و برنامه را برای سعادت

مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد. و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند برای او قانون وضع کند.

البته امام مدافع آزادی مطلق نیستند و محدوده آزادی بیان از دیدگاه امام را اینگونه می‌توان بیان کرد ایشان در جایی محدوده آزادی را فساد اعلام کرده‌اند: آزادی در حدود قانون است اسلام از فسادها جلو گرفته و همه آزادی‌ها را که مادون فساد باشد داده، آنی که جلو گرفته فسادها است که جلوی او را گرفته است و ما تا زنده هستیم نمی‌گذاریم این آزادی‌هایی که آنها می‌خواهند تا آن اندازه‌ای که می‌توانیم آن آزادی‌ها تحقق پیدا کند. و در جای دیگر آن را مقید به قوانین اسلام و قوانین موضوعه کردند. از قیود دیگر امام اضرار به مردم است. امام در پاسخ به این سؤال که اگر فرض شود دولت شما یا هر دولتی برخوردار از حمایت شما بر سر کار آید آیا اختناق سیاسی وجود نخواهد داشت؟ پاسخ دادند: هرگز، آزادی به همه کس، تا آنجا که ضرر ملت ایران نباشد، داده خواهد شد. این تعریف

امام از آزادی تداعی کننده آزادی مثبت و منفی **آیزیا بولین** فیلسوف شهیر انگلیسی می‌باشد. و از قیود دیگر امام آزادی تا مرز توطئه بر ضد نظام اسلامی است. با توجه به قیود بیان شده می‌بینیم که امام آن آزادی که به آزادی غربی تعبیر می‌کنند، را نمی‌پسندند و به صراحت اعلام می‌کند: این آزادی غربی است که هر کس هر کاری دلش می‌خواهد بکند ولو اینکه فحشا باشد ولو اینکه یک کارهایی باشد ناشایسته اینطور آزادی در ایران نمی‌تواند باشد.

مکاتب و مکتب اسلام، آن مکاتب را در بیان عقاید آزاد می‌دانند و معتقدند که اسلام حقیقی قابلیت پاسخ به تمام شبهات و سوالات را دارد و می‌تواند منطقی و با استدلال برتری خود را بر دیگر مکاتب نشان دهد. در پایان می‌توان تفکرات امام را در زمره مردمی‌ترین و سودمندترین عقاید برای رسیدن به سعادت بشری، ضامن نجات بشریت از ورطه تباهی و ساختن مدینه فاضله برای مردم و بشریت دانست.

### فهرست منابع

- ۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۶). **ایران بین دو انقلاب**. مترجمین: کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران: نشر مرکز.
- ۲- خمینی، روح اله (۱۳۸۲). **صحیفه امام خمینی (ره)**، جلد ۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳- خمینی، روح اله (۱۳۸۲). **صحیفه امام خمینی (ره)**، جلد ۴، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴- خمینی، روح اله (۱۳۸۲). **صحیفه امام خمینی (ره)**، جلد ۵، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۵- خمینی، روح اله (۱۳۸۲). **صحیفه امام خمینی (ره)**، جلد ۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۶- خمینی، روح اله (۱۳۸۲). **صحیفه امام خمینی (ره)**، جلد ۱۰، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۷- خمینی، روح اله (۱۳۸۲). **صحیفه امام خمینی (ره)**، جلد ۱۸، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۸- خمینی، روح اله (۱۳۸۲). **صحیفه امام خمینی (ره)**، جلد ۲۰، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۹- خمینی، روح اله (۱۳۸۲). **صحیفه امام خمینی (ره)**، جلد ۲۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

آنان ارائه دهد که این برنامه در قالب دین مبین اسلام بیان گردیده است. ایشان در قبل و بعد از انقلاب مردم را همیشه محق و صاحبان اصلی انقلاب می‌دانستند و تجلی این تفکرات نیز در جای جای قانون اساسی گنجانده شده است، که بارزترین آنها حقوق زنان و اقلیت‌های دینی می‌باشد که قبل از پیروزی انقلاب و جز در اندیشه امام، تقریباً در قاموس سیاسی ما ایرانیان متروک یا مغفول واقع شده بود. در نظر ایشان در حکومت اسلامی حق همیشه با مردم است، مگر اینکه عقیده مردم خلاف امر الهی باشد، که همین امر رديه‌ای به گفتمان‌های بظاهر دموکراتیک لیبرالیسم و مارکسیسم می‌باشد. با بررسی تفکرات امام درباره حقوق و آزادی‌های مردم به وضوح نقش مردم به عنوان یکی از ارکان اساسی در جمهوری اسلامی نمایان می‌شود. ایشان حتی به وضوح به نقش مردم به عنوان یکی از ارکان اساسی در جمهوری اسلامی اشاره می‌کنند. ایشان برای اولین بار حتی ولی فقیه حاکم بر حکومت اسلامی را فرمانبردار و خدمت‌گذار مردم می‌داند و این حق را به تک‌تک افراد و اقشار جامعه می‌دهد که رهبر حکومت اسلامی را با وجود این شأنت دینی و اجتماعی شخص، مورد نقد و استیضاح قرار دهد و از حقوق مردم در مقابل حاکم اسلامی سخن گفتند، این مهم وقتی شایان توجه می‌گردد که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی اکثر کشورهای منطقه اسماً اسلامی و ماهیتاً دیکتاتور مآب بودند و مردم واجد هیچگونه حقوق سیاسی و اجتماعی نبودند. همچنین ایشان مردم را در بهره‌مندی از آزادی‌های مشروع آزاد می‌دانند و به هیچکس حق اعمال یک عقیده را به دیگری نمی‌دهند. ایشان حتی علیرغم تضادهای فاحش میان برخی



- ۱۰- باتامور، تی.بی (۱۳۷۱)، **نخبگان و جامعه**، مترجم: علیرضا طیب، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- رنی، آسیتن (۱۳۷۴)، **حکومت: آشنایی با علم سیاست**، مترجم: لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی شولت.
- ۱۲- زیباکلام، صادق (۱۳۸۰)، **مقدمه‌های برانقلاب اسلام می**، تهران: انتشارات روزنه.
- ۱۳- عنایت، حمید (۱۳۸۰)، **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، مترجم: بهالالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۱۴- فوران، جان (۱۳۸۷)، **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران**، مترجم: احمد تدین، تهران: نشر رسا.
- ۱۵- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، **تحولات سیاسی-اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران**، تهران: نشر موسسه چاپ و نشر عروج.
- ۱۶- کدی، نیکی (۱۳۸۶)، **ریشه‌های انقلاب ایران**، مترجم: عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم.
- ۱۷- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، **تحلیلی بر انقلاب اسلام می**، تهران: دفتر نشر و پخش معارف.
- ۱۸- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی**، مترجم: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ۱۹- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۲)، **بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.